

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Comparative Study of the Griffin in Achaemenid Art and Seljuk Art
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

مطالعه تطبیقی نقش گریفین در هنر هخامنشیان و هنر سلجوقیان*

الهه فیضی مقدم^۱، محمد عارف^{۲*}، محمدرضا شریفزاده^۳

۱. گروه مطالعات تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه نمایش، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه پژوهش هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

چکیده

بیان مسئله: گریفین از انواع موجودات ترکیبی در اساطیر کهن است که با بدن شیر، گوش اسب، سر و بال عقاب جلوه می‌کند. این موجود در طی ادوار تاریخی ایران حضور داشته که نمایانگر اهمیت آن در میان ایرانیان است. با این حال، نقاط مبهمی در چگونگی ارتباط گریفین دوران پیش از اسلام با گریفین دوران اسلامی، وجود دارد. بنابراین در این پژوهش، گریفین به‌عنوان نقشمایه زینتی پرکاربرد در دو دوره تاریخی مهم ایران، هخامنشیان در دوران باستان و سلجوقیان در دوران اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته است.

هدف پژوهش: هدف از این مقاله مطالعه نحوه تأثیرات، تفاوت‌ها و شباهت‌های میان نقش گریفین در هنر هخامنشی و هنر سلجوقی، با رویکرد تطبیقی است.

روش پژوهش: در همین راستا، با بهره‌مندی از روش توصیفی-تحلیلی، بیست‌ویک اثر منقوش به گریفین در هر دو دوره تاریخی، در جداولی جداگانه مورد بررسی و قیاس قرار داده شد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌ها، این نقوش اغلب از لحاظ ساختاری، حالات بدنی و ویژگی‌های بصری به یکدیگر شباهت داشته‌اند. از منظر نمادشناسی اغلب دارای مفاهیم مشترکی چون ماهیت پادشاهی، قدرت و ثروت، نگهبان گنجینه؛ و همچنین متأثر از باورهای آیینی، نماد خیر، باطل‌کننده سحر و جادو و محافظ درخت زندگی‌اند. هرچند در برخی آثار هخامنشی، گریفین با وجه اهریمنی، در تقابل خیر و شر به‌نمایش درآمده است. در مجموع شباهت‌ها و تفاوت‌ها، گویای اثرپذیری گریفین دوره سلجوقی از نقش مشابه خود در دوره هخامنشی است و عواملی چون سیطره سیاسی، اقتدار سلطنت، اعتقادات مذهبی و فرهنگ عامیانه در شکل‌گیری و کاربرد آنها نقش داشته است.

واژگان کلیدی: گریفین، شیردال، اسطوره، موجودات ترکیبی، هخامنشی، سلجوقی.

مقدمه

راه‌های پاسخ‌گویی به ابهامات، مطالعه روی آثار و نقوش به‌جامانده از ادوار گوناگون به‌عنوان تاریخ تصویری ایران است. از جمله نقش‌مایه‌های مورد علاقه ایرانیان که روی آثار متنوعی چون نقوش برجسته، مهرها، آثار فلزی، اشیاء سفالی و... در اغلب ادوار تاریخی به‌کار می‌رود، نقش

آشنایی با تاریخ و فرهنگ کهن، اساطیر و اعتقادات ایرانیان می‌تواند به شناخت هنر ایران یاری رساند، به‌ویژه آنکه باوجود مطالعات در رابطه با هنر ایران، کماکان نقاط مبهم بسیاری از آن باقی مانده است. در این بین یکی از

** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۶۸۵۴۹۹۸ m.arez@iauctb.ac.ir

جهت انجام پژوهش، ابتدا تصاویر آثار منقوش به گریفین، ترسیم خطی شده و در دو جدول جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این جداول سعی خواهد شد مبتنی بر روش توصیفی، ویژگی‌های ساختاری هر یک از نقوش از لحاظ تکنیکی و تزئینی مشخص شود و با استفاده از رویکرد تحلیلی، دلایل احتمالی کاربرد این نقوش در کنار یکدیگر و مفاهیم مرتبط به آنها مورد بحث قرار گیرد. پس از آن مشخصات به‌دست‌آمده که شامل حالات بدنی، نقوش همراه در اثر و نمادشناسی گریفین در این دو دوره تاریخی است، با رویکرد تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفته و میزان شباهت‌ها، تفاوت‌ها و چگونگی تأثیرگذاری معین خواهد شد. علاوه‌براین در راستای ارزیابی دقیق‌تر، این نقوش از منظر بصری مورد بررسی قرار می‌گیرند و در انتها با یکدیگر تطبیق داده می‌شوند.

پیشینه پژوهش

در برخی از فرهنگ‌نامه‌ها و کتب مربوط به اساطیر و نمادها، اشاراتی به خاستگاه گریفین در میان ملل کهن و جایگاه این موجود اساطیری در باورهای آنان شده است. از آن جمله می‌توان از کتب «فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب» اثر هال (۱۳۸۰)، «دایره‌المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها» تألیف بروس میتفورد (۱۳۹۴)، Bulfinch's (Bulfinch, 2000) «Greek and Roman Mythology» «The Encyclopædia Britannica, A Dictionary (of Arts, Sciences, and General Literature» (DePuy, 1892) نام برد. برخی مقالات به‌طور تخصصی به ویژگی‌های گریفین پرداخته‌اند؛ طاهری (۱۳۹۱) در مقاله «گوپت و شیردال در خاور باستان»، کهن‌الگوی شیردال را در خاور کهن تا پایان دوره آهن پیگیری کرده است. دوست‌شناس و صالحی‌کاخکی (۱۳۹۱) در مقاله «نقش جانوران ترکیبی در سفالینه‌های سلجوقی» اشاره کوتاهی به گریفین در هنر سلجوقی کرده‌اند. در مقاله دیگر با عنوان «Some So-Called Achaemenid Objects from Pazyryk» (Lerner, 1991) نقش این موجود ترکیبی روی قالی پازیریک مطالعه شده است و در مقاله‌ای با عنوان «Origin and Influence Cultural Contacts: Egypt» «the Ancient near East, and the Classical World» (Harper, Oliver, Scott & Lilyquist, 1971, 320) سرچشمه حضور گریفین از ایران باستان و خاور نزدیک و مهاجرت این نماد کهن و انتقال آن به مصر باستان و یونان باستان مورد کاوش قرار گرفته است. با استناد به این پژوهش‌ها می‌توان ادعان کرد که با وجود مقالات و کتب فراوان، نقش مایه اساطیری گریفین در دو دوره تاریخی

موجودات ترکیبی است. این موجودات محصول تخیل انسان بوده و با جلوه‌کردن به‌صورت مخلوقات مرکب از انسان، حیوان، گیاه و جماد به‌نمایش در می‌آیند و اغلب دارای نیروی جادویی‌اند. از پرکاربردترین آنها، شیردال، به یونانی گریفین^۱ یا گریفون^۲ از مرغان افسانه‌ای در اساطیر کهن است. بدن این موجود عجیب‌الخلقه شیر و سر آن عقاب^۳ است (MacKenzie, 1971, 24) و گاهی با بال عقاب، پای چنگال‌دار و گوش اسب تصویر می‌شود. گریفین در برخی متون متعلق به پارسی میانه، بشکوچ^۴ خوانده شده است (Buyaner, 2005, 19) و از نمونه موجودات اساطیری بوده که در طول تاریخ ایران، چه در دوران پیش از اسلام و چه در دوران اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این تداوم حضور نشان از جایگاه ویژه گریفین در میان ایرانیان و احتمالاً ارتباط آن با اعتقادات و باورهای آیینی است که نیاز به بررسی و مطالعه دارد. با اطلاع از این مبحث که نقوش مورد استفاده در دوران کهن اغلب روی نقوش دوران اسلامی تأثیر داشته‌اند و با توجه به شاخص‌ترین این ادوار که نقش گریفین در آثار آنها بسیار دیده می‌شود، هخامنشی در پیش از اسلام و سلجوقی در دوران اسلامی، این سؤال مطرح می‌شود که نقوش گریفین در هنر هخامنشی به چه میزان توانسته بر نقوش مشابه خود در هنر سلجوقی تأثیر بگذارد؟ بنابراین موضوع مقاله، مطالعه تطبیقی نقش گریفین در این دو دوره تاریخی از منظر نمادشناسی و ارزش‌های بصری و هدف آن یافتن نقاط مشترک، شباهت‌ها و تفاوت‌های میان این نقوش است تا درنهایت بتوان نحوه این اثرگذاری و اثرپذیری را مشخص کرده و به بسیاری از ابهامات در رابطه با منابع، عوامل و انگیزه‌های کاربرد آنها پاسخ داد. عواملی که می‌تواند متأثر از فرهنگ، اقتصاد، سیاست و... باشد و با استناد به آنها دلایل استفاده از این نقوش را در قیاس با یکدیگر یافت و بیش از پیش، پیوندهای هنر پیش از اسلام و هنر اسلامی واکاوی کرد.

روش پژوهش

این مقاله از نظر هدف، بنیادی، از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی و جهت تحلیل یافته‌ها از رویکرد تطبیقی بهره می‌برد. شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش به روش اسنادی و کتابخانه‌ای، شامل مطالعه کتب و مقالات معتبر است و ابزار گردآوری اطلاعات شامل مشاهده پایگاه‌های اینترنتی و فیش‌برداری است. در این راستا با مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی موزه‌ها و حراجی‌های معتبر جهان، تصاویر آثار به‌جامانده از دو دوره تاریخی هخامنشی و سلجوقی که حاوی نقش گریفین هستند جستجو شده و بیست‌ویک اثر از هر دوره، به‌طور تصادفی انتخاب می‌شود.

مهم ایران، هخامنشی و سلجوقی، مورد قیاس قرار نگرفته و ارتباط آنان با یکدیگر همچنان ناشناخته است. بنابراین آنچه موجب تمایز پژوهش حاضر می‌شود، خوانش تازه‌ی گریفین از حیث ظاهری و معنایی با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی در این دو دوره، با تکیه بر رویکرد تطبیقی است.

گریفین در ادوار تاریخی

بنابر تعریف دهخدا «گریفون (شیردال) حیوان افسانه‌ای است که ترکیبی از جسد شیر، سر و بال عقاب، گوش اسب و تاجی شبیه به آلت سباحه (شناوری) ماهی دارد» (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل مدخل «گریفون»). ترسیم و استفاده از گریفین به سه هزار سال پیش از میلاد می‌رسد و به نظر اغلب پژوهشگران از نظر نمادین با هنر خاور نزدیک پیوند دارد (Harper et al., 1971, 320). به عقیده هینتس (۱۳۹۶، ۱۵۱) گریفین یک اختراع اصیل ایلامی و محصول تخیل ایشان است. ایلامیان تمایل عجیبی به تفکر در مورد مسائل روحی و همچنین توجه بسیاری به جهت تاریک‌تر طبیعت داشتند، همین ویژگی سبب شد تا آنها به ترسیم جانوران دورگه تخیلی و هیولاهای غریب روی آورند. او مانند پرندۀ لانه خود را می‌سازد و به جای تخم، سنگ عقیق در آن می‌گذارد. طبق گفته بولفینچ، هند کشور بومی گریفین‌هاست؛ آنها در کوه‌ها طلا پیدا کردند و لانه‌های خود را از آن ساختند، به همین دلیل لانه‌های آنها برای صیادان بسیار وسوسه‌انگیز بود و مجبور به مراقبت از آنها شدند (Bulfinch, 2000, 103-104). به اعتقاد هرودوت، گریفین متعلق به سکا‌های ساکن در آسیاست، در سرزمینی که مملو از طلا و سنگ‌های قیمتی بوده است. زمانی که غریبه‌ها برای تصاحب این گنج نزدیک می‌شدند، این پرندگان عظیم روی آنها می‌پریدند و آنها را تکه‌تکه می‌کردند. بنابراین در میان آنان گریفین نشان‌دهنده جزای بخل و حرص آدمیان شد (DePuy, 1892, 195). از دوران باستان روایاتی مربوط به حفاظت گنجینه‌های مدفون و نهفته توسط اژدها و مار در میان مردمان نقل می‌شده است. به گفته پلینی از آنجا که مردمان شرق مکانی برای پنهان کردن ثروت خود نداشتند، رسم دفن کردن گنج در زمین میان آنان رواج پیدا کرد، پس برای ترساندن دزدان و غارتگران این روایات افسانه‌ای را از خود خلق کردند. بی‌شک با رسیدن این افسانه‌ها به جهان غرب و با توجه به دانشی که نسبت به وجود طلا در کوه‌های شرق داشتند، افسانه‌ها در مورد گریفین روایت شد (Pliny, 1855, 123). گریفین در بین‌النهرین، در سده‌های چهاردهم و سیزدهم پ. م. متداول شد. این موجود افسانه‌ای برای سین^۵ خدای-ماه سومری، مقدس بود و در آشور میانه اغلب روی مهرهای

استوانه‌ای شکل نقش می‌شد (هال، ۱۳۸۰، ۶۵). در بررسی عاج‌های نوآشوری یافت‌شده در کاخ شلمنصر، گریفین با سر و بال‌های گشوده شاهین، اندام شیر، گاهی با تاج مصری، در کنار درخت زندگی یا در جدال با جنگاوری تصویر شده است (طاهری، ۱۳۹۱، ۱۵-۱۶). این موجود اساطیری که از ایران باستان به مصر منتقل شد، به‌ندرت در هنر مصر مورد استفاده قرار گرفت و از لحاظ ظاهری با گریفین موجود در خاور نزدیک تفاوت داشت. گریفین مصری دارای سر شاهین بوده و پره‌های اطراف چشم آن به سبک مصری ترسیم شده است (Harper et al., 1971, 320). به‌طور مشخص گریفین در مصر باستان به فرعون مرتبط می‌شود. در دوره سلطنت قدیم، فرعون در شمال یک فاتح، با سر شاهین هوروس^۶ خدای مصری، روی بدن شیر نشان داده می‌شد که نمادی از مراقبت و قدرت بود (هال، ۱۳۸۰، ۶۴). یونانی‌ها ایده ترسیم گریفین را در اواخر قرن هشتم و هفتم قبل از میلاد به‌دست گرفتند. ویژگی‌های آن در هنر یونان شامل پیشانی برآمده، گوش قائم اسب و منقار شکاف‌دار بود (Harper et al., 1971, 320). اغلب در تزیین معماری استفاده می‌شد، هرچند در آثار برنزی به‌ویژه روی جواهرات اتروریایی مشاهده می‌شود (فضائی، ۱۳۸۴، ۱۷۲). گریفین در روزگار یونانیان با نمه‌سیس^۷ یکسان شمرده می‌شد. نمه‌سیس ایزدبانوی انتقام و عدالت است و او را با شاخه‌ای سیب در یک دست و چرخ در دست دیگر تصور می‌کردند. در واقع این چرخ خاستگاه سال خورشیدی بوده است (همان، ۲۳۴). در قرن هفتم پ. م. گریفین‌ها در یک داستان با الهام از شخصیت اساطیری آپولو^۸ خدای نور و خورشید در یونان و روم باستان، ظاهر شدند. طبق این داستان، آپولو در جستجوی گریفین‌هایی که از طلا محافظت می‌کردند، به شمال دور سفر کرد (Herodotus, 2003, 203). این جانوران افسانه‌ای در عصر برنز همچون تمدن مینوان^۹ نمادهای سلطنتی و محافظ مردگان بودند (Reed, 1976). در دنیای مسیحیت نیز نقش مشابه داشت و نماد سلطنت بود. در قرون وسطی و بیزانس تحت‌تأثیر هنر و ادبیات کلاسیک، گریفین مرتبط با اسکندر جلوه می‌کند و ارابه^{۱۰} او را به سمت آسمان می‌راند (Boardman, 2015, 314). علاوه‌براین در قرون وسطی نمادی عامه‌پسند بوده که از آن به‌عنوان نشانه خانوادگی استفاده می‌کردند. این موجود از علامتی که دال بر خورشید، قدرت و انتقام‌جویی است به نماد حفاظتی تکامل یافت و در نوشته‌های رمزی نماد کیفر الهی شد (بروس میتفورد، ۱۳۹۴، ۷۴).

گریفین در دوران هخامنشی

گریفین در آثار متنوعی از دوره هخامنشی یافت شده است.

در معماری تخت‌جمشید در قالب تندیس‌های عظیم بر ستون‌ها دیده می‌شود. در واقع کاربرد گریفین بر بالای ستون‌های پارسی این بوده تا با گوش‌های بزرگ و رو به بالای خود تیرهای چوبی سقف را نگاه دارد، سنتی که هنوز هم در برخی خانه‌های روستائیان ایرانی دیده می‌شود (پرادا، ۱۳۹۷، ۱۷۹). این موجود افسانه‌ای به صورت نقش برجسته بر دیواره کاخ‌های تخت‌جمشید استفاده شده است. نقش برجسته‌ای در تالار صدستون، گریفین را در حال رزم با پادشاه قهرمان نشان می‌دهد که نمادی از تقابل خیر و شر است. روی دیواره پلکان شرقی کاخ آپادانا نیز گریفین روی هدایایی که افراد شرفیاب شده یا نمایندگان کشورهای تابعه در دست دارند، نقش شده است (کرتیس و تالیس، ۱۳۹۲، ۸۱). نمونه‌ای از این هدایا تصویر یک بازوبند است که انتهای آن به گریفین بال‌دار ختم می‌شود، مشابه زرین این بازوبند در آثار گنجینه جیحون نیز مشاهده می‌شود. نقش برجسته‌های پلکان کاخ آپادانا در جهت تقویت و تأکید بر قدرت پادشاه ایرانی و وسعت سلطنت هخامنشی به‌نمایش درآمده‌اند. نقش و نگاره‌های افراد تحت‌سلطه که ثروت خود را به اقتدار مرکزی امپراتوری پیشکش می‌کنند، به‌خوبی این سلطه سیاسی را نشان می‌دهد. گریفین در این نقش برجسته‌ها به صورت طبیعت‌گرایانه موسوم به سبک پارسی ترسیم شده است، به‌طوری‌که عضلات بدن و بال و پرهای او با جزئیات دقیق به‌نمایش درآمده‌اند. مهرها از دیگر آثار به‌جامانده از هنر هخامنشی است که نقش‌مایه اساطیری گریفین روی آنها گاه به‌صورت منفرد و گاه در تقابل با پادشاه قهرمان دیده می‌شود. آثار فلزی، بسیاری از ریتون‌ها و تگوک‌ها با شمایل این مرغ افسانه‌ای آذین شده‌اند و همچنین نقش آن روی سکه‌ها و زیورآلات زرین و سیمین جلوه می‌کند. اساس استفاده از این نقش روی زیورآلات گرانبها، نمایش ثروت پادشاهی هخامنشی است. در افسانه‌ها گریفین نگهبان معادن طلای آلتای^{۱۰} بوده است، در ترکی آلتای به‌معنای طلاست و به اعتقاد برخی پژوهشگران در ابتدا این پادشاهان هخامنشی بودند که طلا و سنگ‌های قیمتی را از منطقه آلتای وارد ایران کردند (Sudzuki, 1975, 74). بررسی‌های صورت گرفته روی کورگان‌های تاکسای^{۱۱} در غرب قزاقستان نیز نشان می‌دهد که تزئینات زنان این منطقه پلاک‌های طلائی بوده که برخی از این پلاک‌ها مزین به نقش گریفین است، نقشی که با خورشید و آسمان ارتباط داشته و بر سلسله‌مراتب قدرت فرد تأکید می‌کرده است (Lukpanova, 2018, 30). شواهد نشان‌دهنده ارتباط فرهنگی این منطقه با ایران، آشور و دیگر مناطق خاور نزدیک است. منطقه‌ای که بعدتر به‌عنوان بخشی از امپراتوری هخامنشی درمی‌آید

گریفین در دوران سلجوقی

گریفین در هنر سلجوقی اغلب به‌صورت نقش‌مایه روی آثار استفاده شده است و کمتر در قالب مجسمه و تندیس دیده می‌شود. در معماری، نقش آن روی کاشی‌های دیواره کاخ‌ها و عمارت‌ها حضور دارد. در کاشی‌های مستطیل‌شکل همراه با اسفنجس ظاهر می‌شود، زیرا اعتقاد بر این بود که این موجودات افسانه‌ای می‌توانند با نیروی جادویی و مافوق طبیعی خود کاخ و سلطان را در برابر انواع شر، دشمنان و بیماری محافظت کنند (Öney, 1984 138). همچنین گریفین همراه با نقوش اسلیمی در کاشی‌های ستاره‌ای‌شکل، یادآور آسمان و جهان مینوی است. در شمایل‌نگاری اسلامی همچون دوره باستان، گریفین ارتباط خورشیدی خود را با ترکیب شدن با دیگر نمادهای کیهانی حفظ می‌کند و از دلایل استفاده آن در کاشی‌های ستاره‌ای‌شکل همین است. در آثار فلزی، گریفین روی زیورآلات، آینه، ظروف و... با معانی و کاربردهای گوناگون نقش شده است. این موجود روی این آثار گاه منفرد در مرکز مدالیون و گاه همراه با نقوش حیوانی، انسانی، گیاهی، هندسی و خط تصویر شده است. نقوش تزئینی جزء جدایی‌ناپذیر از هنر اسلامی به‌ویژه آثار فلزی است و این تنوع نقوش، از خصوصیات هنر دوره سلجوقی‌ست که سلیقه شهری را بازتاب می‌دهد (Kuiper, 2010, 180). از جمله این آثار بخوردانی است که روی آن گریفین، اسفنجس، نقوش اسلیمی به‌همراه نوشته‌ای به خط کوفی با مضمون دعای خیر و برکت برای صاحب بخوردان جلوه می‌کند. در آثار سفال و سرامیک، گریفین گاهی به‌صورت نقش کنده یا درشت‌نقش در کف ظروفی چون کاسه و بشقاب قرار گرفته و گاهی ریزنقش آن در ظروف، به‌صورت طومار یا نواری تکرار شده است و همراه آن نقوش اسلیمی و تزئینی دیگر به‌طور پراکنده یا

جدول ۱. نقش کاربردی گریفین و مشخصات آن در دوران هخامنشی. مأخذ: نگارندگان.

مشخصات	تصویر و ترسیم خطی
<p>پلاک نقره موجود در گالری هلیوس</p> <p>لباس‌های مجلسی در عصر هخامنشی اغلب با پلاک‌های فلزی گرانبها مشابه این شیء تزئین می‌شدند. این نشان‌ها بخشی از نمایش عمومی ثروت عظیم پادشاهی و قدرت هخامنشیان بوده است. گریفین محاط بر پلاک تزئینی به صورت مدور، بدون بال و با تزئینات بسیار ترسیم شده است. او به عقب برگشته و به دم افراشته شده می‌نگرد و با وجودی که منقار دارد تداعی کننده شمایل شیر است.</p>	
<p>پلاک مدور زرین محفوظ در موزه بریتانیا</p> <p>این شیء طلائی متعلق به گنجینه جیحون است و همچون شیء پیشین، از آن برای تزئین پوشاک افراد سلطنتی بهره می‌بردند. در قالب مدور این پلاک، گریفین به صورت متحرک نقش شده است. بازوهای جلویی آن شیر و دو پای عقبش برای پرنده است. بال، دم و یکی از پنجه‌هایش رو به بالاست.</p>	
<p>پلاک مدور زرین محفوظ در موزه بریتانیا</p> <p>این پلاک طلائی با حاشیه شیاردار نیز متعلق به گنجینه جیحون بوده و برای تزئین لباس درباریان استفاده می‌شده است. گریفین در انتهای بال اسفنگس با چشمی گرد، بال و گوش اسب تصویر شده است. اسفنگس سر خود را به عقب برگردانده و به گریفین خیره شده است.</p>	
<p>سکه نقره یافت شده از کاخ آپادانا</p> <p>این سکه متعلق به مجموعه سکه‌هایی است که از زیر جعبه‌های سنگی موجود در کاخ آپادانا که خود حاوی کتیبه‌های پادشاهی بوده، کشف شده‌اند (Zourmatzi, 2003, 6). گریفین ضرب شده روی این سکه، مشابه با اسفنگس‌های تخت جمشید نشسته و دم و یکی از پنجه‌هایش را بالا آورده است. با گوش کشیده، منقاری قلاب‌دار و بالی فراخ در نقش نگهبان و محافظ گنجینه پادشاهی هخامنشی به تصویر درآمده است.</p>	
<p>انگشتر زرین محفوظ در موزه بریتانیا</p> <p>گریفین روی سطح صاف و مدور این حلقه طلائی حکاکی شده و احتمالاً جنبه محافظتی دارد. چشم برجسته، بال کوتاه و گوشی کشیده شبیه به گوش اسب دارد. با بالی گشوده و بدنی شبیه به گربه‌سانان در حال حرکت دیده می‌شود، در حالی که دو پای عقب او متعلق به پای پرنده‌ای وحشی است.</p>	
<p>آینه از برنز موجود در کلکسیون شخصی</p> <p>این اثر از منطقه باجور در پاکستان یافت شده و متعلق به امپراتوری هخامنشی است. در پشت آینه، گریفین در مرکز مدالیون نقش شده است. بال او متفاوت از دیگر گریفین‌های دوره هخامنشی، با ظاهری تزئینی، نقوش گیاهی را تداعی می‌کند. گریفین به باور هخامنشیان، آنها را در برابر شر و جادو محافظت می‌کرده و با توجه به کارکرد شیء، در اینجا نقش محافظتی دارد.</p>	
<p>پلاک دور بریده زرین محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون</p> <p>پلاک دور بریده زینتی به شکل سر گریفین که مخصوص تزئین لباس‌های اشرافی بوده است. گریفین با گوش اسب و شاخ پیچان شبیه به شاخ گاو میش تصویر شده که نمایانگر وجه خردورزانه و خیرخواه اوست. تزئیناتی بر گردن و شاخ او با ریتمی منظم دیده می‌شود.</p>	

مشخصات	تصویر و ترسیم خطی
<p>پلاک دور بریده زرین محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون</p> <p>پلاک دیگر با نقش گریفین، نمادی از ثروت که روی لباس مجلسی درباریان هخامنشی تکه‌دوزی می‌شده است. دو بازوی جلوی او بازوی شیر و دو پای عقب او مربوط به پرنده است. پیکرنگاری این گریفین شاخدار به سبک ناب هنر هخامنشی صورت گرفته و یادآور نقش برجسته‌های تخت جمشید است.</p>	
<p>آویز گردن‌بند زرین محفوظ در موزه هنر والترز</p> <p>سر این گریفین بخشی از یک گردن‌بند است و حلقه‌ای به سر، میان شاخ‌های او متصل شده که آن را به حلقه‌ای دیگر وصل می‌کند. گریفین در اینجا نیز به سبک امپراتوری پارس به تصویر درآمده است، ریتم منظم خطوط در شاخ‌ها و یال او مشاهده می‌شود. از مشخصه‌های این گریفین، گوش اسب و شاخ گاو میش است که در میان هخامنشیان با مفاهیم خردورزی همراه است.</p>	
<p>حاشیه تزئینی از برنز محفوظ در مؤسسه خاورشناسی دانشگاه شیکاگو</p> <p>در این اثر که احتمالاً از تخت جمشید پیدا شده، گریفین‌ها به سبک طبیعت‌گرایانه هخامنشی ترسیم شده‌اند و شکوه پادشاهی را به نمایش می‌گذارند. گریفین با بدن شیری تنومند، گوش اسب، بال فراخ عقاب و چشمانی نافذ به تصویر درآمده است. دو بازوی جلوی این موجود افسانه‌ای بازوی شیر و دو پای عقبش پای عقاب است که به او برای شکار یاری می‌رساند.</p>	
<p>نقش برجسته روی پلکان شرقی کاخ آپادانا در تخت جمشید</p> <p>در این نقش برجسته، عالی‌رتبه‌ای ارمنی ظرفی را به‌عنوان پیشکش با خود حمل می‌کند. دو گریفین به‌طور متقارن بر دسته این ظرف ترسیم شده‌اند. دو گریفین با چهره عقاب، بدن شیر، یال و گوش اسب و بالی فراخ به‌پشت خود خیره شده‌اند. این تصویر مانند دیگر نقش برجسته‌های آپادانا نمایی از شکوه، قدرت و سلطه سیاسی قلمرو پادشاهی است.</p>	
<p>نقش برجسته روی پلکان شرقی کاخ آپادانا در تخت جمشید</p> <p>این نقش برجسته، هیئت خارجی دیگری یعنی لیدیایی‌ها را نمایش می‌دهد. آنها برای ادای احترام به پادشاه، هدایایی را با خود حمل می‌کنند. یکی از این هدایا بازوبندی شاهانه مزین با دو نقش گریفین است که به‌طور متقارن رویه‌روی هم قرار گرفته‌اند و به پشت خود می‌نگرند. نمونه زرین آن، در میان آثار گنجینه جیحون یافت شده است که هم‌اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. در واقع استفاده از این جواهرات در عهد هخامنشی متداول بوده است.</p>	
<p>نقش برجسته روی دیوار ورودی تالار صدستون، تخت جمشید</p> <p>گریفین با نقش اهریمنی در جدال با پادشاه قهرمان به تصویر درآمده است. پادشاه با نیروی فراطبیعی، خنجر را با دست راست بر سر گریفین و با دست چپ، خنجر دیگری را بر بدن او فرو می‌کند. تقابل شهریار و موجودات افسانه‌ای در میان آثار بجامانده از هنر هخامنشی بسیار دیده می‌شود که نشانگر قدرت پادشاه و تقابل خیر و شر است.</p>	
<p>نقش برجسته محفوظ در موزه ایران باستان</p> <p>در این نقش برجسته، دو گریفین به‌صورت متقارن و پشت‌به‌پشت یکدیگر روی غلاف شمشیر اسلحه‌دار مادی نقش شده‌اند. با سر عقاب، گوش اسب، بدن شیر روی دو پای خود ایستاده و پنجه خود را بالا آورده است. علاوه بر گریفین، پنج گل نیلوفرآبی و نه بز کوهی با ریتمی منظم، غلاف را مزین کرده‌اند. گریفین در اینجا بر خلاف نقوش مشابه خود در هنر هخامنشی با دمی کوتاه و دو بال به تصویر درآمده است و بنابر نوع طراحی نقوش دیگر به‌ویژه مارپیچ‌های کنار غلاف، احتمالاً ریشه سکایی دارد. با توجه به کاربرد آن می‌توان گفت که گریفین در اینجا در نقش مراقب و نگهبان از نیلوفرآبی است و جنبه قدرت بخشی دارد.</p>	

مشخصات	تصویر و ترسیم خطی
<p>نقش برجسته محفوظ در موزه ریجکس امستردام</p> <p>نقش برجسته با تصویر سوارکار و گریفین متعلق به اوایل دوره هخامنشی است. با توجه به زمان ساخت، تفاوت آن با دیگر نقش برجسته‌های هخامنشی مشخص است. گریفین با بدن شیری تنومند، گوش کشیده چون گوش اسب، دمی رو به بالا و بالی گشوده تصویر شده است.</p>	
<p>مهر مسطح از سنگ کالسدونی سفید محفوظ در موزه بریتانیا</p> <p>روی این مهر مسطح با پایه هشت ضلعی، پادشاه مزین به تاج و ردای پارسی در نقش قهرمان، گلیو گریفین را گرفته و با ضربات چاقو بر بدن او ضربه می‌زند. این تقابل شهریار و گریفین همچون نقش برجسته موجود در تخت جمشید نمادی از تقابل خیر و شر است. گریفین به‌طور ایستاده، با دمی کوتاه، گوش‌های نوک‌تیز همچون گوش اسب و دو بال به تصویر درآمده است. سمت چپ مهر عبارتی به خط میخی دیده می‌شود.</p>	
<p>مهر استوانه‌ای از سنگ عقیق محفوظ در موزه بریتانیا</p> <p>روی این مهر، گریفین به سبک طبیعت‌گرایانه پارسی همراه با حشره‌ای شبیه به مگس اسب نقش شده است. گریفین چهره نیم‌رخ دارد، درحالی‌که هر دو چشم گرد و برآمده او دیده می‌شود. دو بازوی جلوی او بازوی شیر و دو پای عقب او پای پرنده است.</p>	
<p>مهر استوانه‌ای از سنگ کالسدونی سفید موجود در حراجی کریستیز</p> <p>روی مهر استوانه‌ای، پادشاه ریش‌دار پارسی با دست راست خود بازوی گریفین بالدار و با دست چپ بازوی گاو نر بالدار را گرفته است. پادشاه در نقش قهرمان و نماد نیروی خیر در تقابل با نیروی شر و اهریمنی است. در سمت چپ مهر، نگهبان با نیزه‌ای در دست نظاره‌گر این مبارزه است. گریفین با دم کوتاه و بال گشوده روی دو پای پرنده‌اش ایستاده است.</p>	
<p>مهر استوانه‌ای از سنگ عقیق محفوظ در موزه بریتانیا</p> <p>روی این مهر، موجودات افسانه‌ای در ارتباط با یکدیگر نقش شده‌اند و داستانی اساطیری را روایت می‌کند. در سمت چپ مهر، موجودی بالدار شبیه به قنطورس دیده می‌شود. او با بدن گاو، بالی که به سر گریفین منتهی می‌شود و چهره‌ای مشابه پادشاهان هخامنشی، تصویر شده است که بر شمالی قدرتمند او می‌افزاید. این موجود با کمان خود، نقوش پرنده و بز کوهی را که به درخت زندگی آشوری تکیه کرده‌اند، نشانه گرفته است. تصویر دایره بالدار بر بالای این مهر استوانه‌ای مشاهده می‌شود که بر وجه اسطوره‌ای این روایت می‌افزاید.</p>	
<p>مهر استوانه‌ای از سنگ عقیق محفوظ در موزه متروپلیتن</p> <p>در این مهر استوانه‌ای دو گریفین به‌طور متقارن روبه‌روی هم قرار گرفته و در حال تقابل و جدال با یکدیگر قدرت‌نمایی می‌کنند. با بدن و بازوان شیر، دم و پای پرنده، منقار قلاب شده، تاج خروس و بال کوتاه و دو بال گشوده به تصویر درآمده است.</p>	
<p>پوشش زین اسب متعلق به پازیریک از جنس نمد و الیاف پشمی محفوظ در موزه آرمیتاژ</p> <p>گریفین در این قطعه با چهره عقاب، منقار قلاب‌دار، بدن شیر، دم کوتاه و بیچان رو به بالا، بالی گشوده و بال کوتاه تصویر شده است. روی آن تزئینات بسیاری به‌شکل قطره با رنگ صورتی به‌چشم می‌خورد. این نقش متفاوت از دیگر گریفین‌های هخامنشی روی چهارپا در حال خیز برداشتن و حرکت جلوه می‌کند.</p>	

کرده‌اند. علاوه‌براین گریفین در برگه‌ای از نسخه مصور کتاب *دقائق الحقایق* که در کتابخانه ملی فرانسه محفوظ است، حضور دارد. این اثر متعلق به نصیرالدین محمد بن

تکرارشونده مشاهده می‌شود. نمونه‌ای از این آثار، کاسه‌ای سرامیکی با مضمونی درباری است که گریفین همراه با اسفنگس در نقش نگهبان، شخص سلطنتی را احاطه

فلزی شامل یک پلاک آویز، یک مهر انگشتر، یک ظرف، یک مشعل بخوردان، یک آینه دست‌دار؛ چهار سفالینه شامل سه کاسه و یک کوزه؛ پنج کاشی شامل سه کاشی ستاره‌ای شکل و دو کاشی مستطیل‌شکل؛ چهار پارچه ابریشمی؛ یک پنل، یک نقش برجسته و یک برگه نسخه مصور با گریفین مزین شده‌اند. پس از بررسی ویژگی‌های ساختاری و نقش کاربردی این نقوش در جداول مشخص، اکنون در قیاس با یکدیگر تحلیل خواهند شد (جدول ۳).

نتایج آمار بررسی ساختاری و نقش کاربردی

• اشیاء مورد استفاده

بررسی آثار هنر هخامنشی نشانگر این است که گریفین بیشتر روی آثار فلزی نقش شده است و در هنر سلجوقی، این نقش‌مایه اغلب روی آثار فلزی و کاشی‌ها دیده می‌شود که نشان از شباهت این دو دارد.

• حالات بدنی

نقوش مورد پژوهش نشانگر این است که گریفین در دوره هخامنشیان با چهره و بدن نیم‌رخ، منقار قلاب‌دار، یال کوتاه، گوش اسب، با چشمانی گرد و برجسته و دم پیچان رو به بالا تصویر شده است. در اغلب آثار، دو پای جلوی او برای شیر و دو پای عقب برای عقاب است و در برخی آثار، همراه با شاخ‌هایی از نمای روبه‌رو دیده می‌شود. بال‌هایی فراخ و پرهایی ظریف دارد، در حال نزاع به‌صورت ایستاده و در حال حرکت روی چهارپاست. روی نقش برجسته‌های تخت‌جمشید، در حالت متقارن با نقش خود نمایان می‌شود و هنرمندان هخامنشی با استفاده از شیوه طبیعت‌گرایانه پارسی، عضلات و حالات بدن شیر و چهره عقاب را ترسیم کرده‌اند. در دوره سلجوقی گریفین با چهره و بدن نیم‌رخ، منقار منحنی همراه با گوشت‌آویز، چشمان بادامی شکل، گوش بلند و کشیده شبیه به تاج و دم پیچان رو به بالا نقش شده است. بال‌های او اغلب فراخ و گاهی کوتاه همراه با پر است، هرچند در آثار کمی بدون بال مشاهده می‌شود. بدون شاخ و یال، طوقی بر گردن دارد و گاهی با بدن خالدار جلوه می‌کند. روی منسوجات سلجوقی، به‌طور متقارن در اطراف درخت زندگی نقش می‌بندد و هنرمندان سلجوقی از ترسیم تزیینی همراه با نقوش اسلیمی برای به تصویر درآوردن او بهره برده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مجموع، حالات کلی بدن گریفین در دو دوره با یکدیگر شباهت دارد، اما در پرداخت جزئیات و سبک طراحی با یکدیگر تفاوت دارند.

• نقوش همراه در اثر

در هنر هخامنشی، گریفین همراه با دایره بالدار، نقوش گیاهی چون درخت زندگی، گل نیلوفرآبی، نقوش حیوانی

ابراهیم بن عبدالله ساعتی هیكلی سیواسی معروف به رمال و معزم، یکی از علمای ایرانی قرن هفتم ه. ق. است. پنج رساله آن که به فارسی نوشته شده است، به احکام نجوم، طالع‌بینی، فرشته‌شناسی^{۱۲}، طلسمات و جادو می‌پردازد. این نسخه مصور به سلطان غیاث‌الدین کیخسرو سوم، یکی از آخرین فرمانروایان سلجوقی، در کودکی ارائه شده است (Al-Nasiri, 1272). گریفین در اینجا بدون بال و با هاله‌ای به‌دور سر تصویر شده که بر شاخص‌بودن و جایگاه آن تأکید می‌شود. متن نوشته‌شده در این برگه، در ارتباط با طلسم برای محافظت فرد از گزند دیگران است تا جایی که شیر و پلنگ هم نتواند به او آسیبی رساند و همچنین دعا برای شفای فرد دیوانه نوشته شده است (Ibid., 9). در دوره سلجوقی افراد متمول علاوه بر جواهرات، لباس‌های زریفت و ابریشمی به‌تن می‌کردند. این نوع منسوجات، که یادآور منسوجات دوره ساسانی است، ثروت و قدرت جامعه درباری سلجوقی را به‌رخ می‌کشد. اغلب روی این پارچه‌های ابریشمی، دو گریفین به‌طور متقارن در دو سوی درخت زندگی تصویر شده‌اند. در بسیاری از آثار سلجوقی موجودات اساطیری چون گریفین، اسفنگس و هاریپی در رابطه با درخت زندگی و محافظت از آن استفاده شده‌اند که نشان از اهمیت درخت زندگی دارد. در باورهای آسیای مرکزی درخت زندگی نشان‌دهنده راه یا نردبانی است که به جهان دیگر منتهی می‌شود (Öney, 1984: 138). همچنین پژوهشگران طرح این منسوجات را برداشتی از علائم سلطنتی یا خانوادگی و سنن هنری قدیم ایران می‌دانند (الوند، ۱۳۵۱، ۱۲۲). گریفین در اغلب آثار سلجوقی با تزیینات بسیار ترسیم شده، به این معنی که هنرمند برای به‌تصویر درآوردن آن به‌ویژه در طراحی بال و دم از نقوش گیاهی و خطوط منحنی همراه با پیچ‌وتاب بهره برده است. در ادامه به تحلیل نقش گریفین روی بیست‌ویک اثر یافت‌شده از دوران سلجوقی پرداخته می‌شود (جدول ۲).

بحث

مطالعه بیست‌ویک اثر در هنر هخامنشیان و سلجوقیان نشان از این دارد که نقش‌مایه گریفین در عهد هخامنشی روی آثار فلزی، مهرها، نقوش برجسته و منسوجات مشاهده می‌شود. طبق این نتایج ده اثر فلزی شامل پنج پلاک زینتی، یک حاشیه تزیینی، یک سکه، یک انگشتر، یک آینه و یک آویز گردن‌بند؛ پنج مهر شامل یک مهر مسطح و چهار مهر استوانه‌ای؛ پنج نقش برجسته و در نهایت یک تکه از جلد زین اسب، این نقش را بر خود دارند. در عهد سلجوقی این نقش‌مایه اساطیری روی آثار فلزی، سفالینه‌ها، کاشی‌ها، منسوجات و نقوش برجسته دیده می‌شود. طبق آمار، پنج اثر

جدول ۲. نقش کاربردی گریفین و مشخصات آن در دوران سلجوقی. مأخذ: نگارندگان.

مشخصات	تصویر و ترسیم خطی
<p>پلاک آویز از برنز، متعلق به کلکسیون شخصی، موجود در حراجی آنلاین Sixbid</p> <p>گریفین در این پلاک زینتی، در محدوده دایره ترسیم شده است. چهره نیمرخ دارد و چشم و گوش او مشخص نیست. با بدنی شبیه به شیر و دم پبیچان رو به بالا به تصویر درآمده، بال او به نقشی گیاهی منتهی شده و در کنارش نیز نقوش گیاهی به چشم می خورد. با توجه به کاربرد این نقش روی آینه، احتمالاً جنبه محافظتی داشته و باطل کننده جادو بوده است.</p>	
<p>مهر انگشتر از نقره، متعلق به کلکسیون شخصی، موجود در حراجی لایواکشنیز</p> <p>در این مهر انگشتری گریفین به صورت منفرد دیده می شود. این موجود افسانه ای بسیار ساده و خطی روی این حلقه حک شده است. منقار قلاب دار، پال کوتاه با خطوط منظم و دم رو به بالا دارد و یکی از پاهای او پای پرند است. از آنجایی که گریفین روی انگشتر رسم شده است، می توان به نقش محافظتی آن اشاره کرد.</p>	
<p>ظرف از برنز با نقوش حکاکی شده، موجود در گالری برکت</p> <p>گریفین در کف ظرف، در مرکز مدالیون یا چهره های شبیه به طاووس ترسیم شده و برخلاف زمینه شلوغ ظرف، بدون تزئین جلوه می کند. شرفه در اطراف مدالیون وجود دارد که تداعی گر خورشید است. کتیبه های کوفی با نقوش اسلیمی به عنوان عناصری تزئینی در داخل و خارج ظرف چشم نوازند. این کتیبه ها دعاهایی اند که به فضل و جلال خداوند اشاره می کنند.</p>	
<p>بخوردان از برنز، مرصع با طلا و نقره، محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون</p> <p>در این بخوردان گریفین به همراه تزئیناتی در یک قاب به صورت افقی نقش شده است. در راستای گریفین، در سوی دیگر بخوردان یک اسفنگس دیده می شود. علاوه بر آن، نقوش گیاهی و عباراتی با خط کوفی روی این اثر وجود دارد، این عبارات مجموعه ای از دعاهای خیر برای صاحب بخوردان است. این اثر با عمل ابوالمنیف بن مسعود امضا شده است.</p>	
<p>آینه دسته دار از فولاد ریخته گری شده، محفوظ در کاخ موزه توپ کاپی</p> <p>آینه شامل یک مدالیون است که در مرکز آن شکارچی سوار بر اسب، با دیگر حیوانات دیده می شود. او با داشتن هاله ای به دور سر از مرتبه ای والا برخوردار است. صورت گرد، چشمان بادامی، موهای بلند و لباس او نشان از یک نجیب زاده سلجوقی دارد. پرند شکاری در گوشه بالا، سمت چپ و روباه در سمت راست، نمایانگر شکار هستند. علاوه بر این اژدها در زیر بازوهای اسب، تصاویر مشابهی را در نقاشی های دیواری آسیای میانه به یاد می آورد. در حاشیه مرزی نیز حیوانات در حال تعقیب یکدیگرند. در مرکز قسمت فوقانی حاشیه مرزی، یک جفت اژدها روی هم قرار دارد که بخش گره خورده یکدیگر را گاز گرفته اند. همچنین گریفین، خرس و موجودی خارق العاده شبیه به قنطورس دیده می شود. هر چند به طور معمول قنطورس دارای بالانتنه بدن مرد و پایین تنه اسب است، اما در اینجا با پایین تنه شیر جلوه می کند. گریفین در حال حرکت رسم شده و بال و دم او به نقوش گیاهی منتهی می شود. با توجه به نقوش به کار رفته در حاشیه آینه از جمله قنطورس و اژدها، گریفین با صور فلکی ارتباط دارد.</p> <p>کاسه مینایی چندرنگ، محفوظ در موزه بناکی</p>	
<p>چهار گریفین به طور بی درپی در میان کاسه و به دور مدالیونی که مزین به نقوش هندسی است در حال رژه اند. میان آنها نقش یک گیاه تکرار شده و همچنین یک پرند در کنار آنها دیده می شود. در حاشیه مرزی کاسه مینایی نیز نقوش اسلیمی و عباراتی با خط کوفی تزئینی تصویر شده است.</p>	
<p>کاسه مینایی هفت رنگ، محفوظ در موزه بروکلین</p> <p>در داخل کاسه سرامیکی، گریفین همراه با شخصیت سلطنتی، اسفنگس و نقوش اسلیمی در ترکیبی متقارن به تصویر درآمده است. گریفین و سه اسفنگس در نقش محافظ و نگهبان، شخص سلطنتی را احاطه کرده اند. گریفین با بدنی خالدار نقش شده، بال او نیز با طرحی منحنی شبیه به نقوش ختایی، همراه با دم، رو به هوا افزایش یافته شده است.</p>	

مشخصات	تصویر و ترسیم خطی
<p>کاسه با نقوش زیرلعابی، محفوظ در موزه هنر کلیولند</p> <p>در این سفالینه گروسی، گریفین به سبک درشت‌نقش در محدوده دایره همراه با نقوش اسلیمی، حروف کوفی و بدون بال تصویر شده است. او چهره نیم‌رخ، منقار قلاب‌دار، دم کوتاه و چشمی گرد با مژگان دارد و طوقی منقوش بر گردن او جلوه می‌نماید.</p>	
<p>گلدان با لعاب فیروزه‌ای، محفوظ در موزه متروپولیتن</p> <p>این اثر از چهار بند همراه با خط کوفی، نقوش گیاهی، گریفین و نقوش هندسی لوزی شکل و فلس مانند تزیین شده است. در بند دوم، چندین گریفین به صورت طولی در پی هم در حال حرکت‌اند و با چهره شبیه به خروس همراه با گوشت‌آویز، چشم بادامی، دو گوش، بال کوتاه و دم بلند به تصویر درآمده‌اند. کاربرد اصلی این شیء مشخص نیست، اما از کوزه‌های سفالی مشابهی برای نگهداری غلات یا شراب استفاده می‌شده و احتمالاً نقش گریفین روی آن، ضامن سلامتی بوده است.</p>	
<p>کاشی ستاره‌ای ده‌پر گچ‌بری‌شده، محفوظ در کلکسیون «الصباح»، خانه آثار اسلامی کویت</p> <p>کاشی ستاره‌ای ده‌پر، تجسمی از خورشید، با طرح برجسته‌ای از یک گریفین و نقوش گیاهی، برای تزیین دیوار استفاده می‌شده است. گریفین با بدن عضلانی شیر، چهره عقاب، منقار منحنی شکل و گوشت‌آویز تصویر شده است. بال او با نوک‌های تاج‌دار به بالا افراشته شده و دم نازک او رو به پایین است.</p>	
<p>کاشی ستاره‌ای هشت‌پر، لعاب‌دیده براق، محفوظ در در گالری فریر و سکلر</p> <p>این نوع کاشی‌های براق از نمونه کاشی‌های مورد علاقه سلجوقیان در تزیینات ساختمان‌ها بوده است. روی آن، گریفین با دو گوش کشیده و بزرگ، منقار قلاب‌دار، گوشت‌آویز، حلقه‌ای به دور گردن شبیه به طوق، بدن خالدار و بال مزین به نقوش گیاهی به تصویر درآمده است.</p>	
<p>کاشی ستاره‌ای هشت‌پر، لعاب‌دیده براق، محفوظ در موزه هاروارد</p> <p>در این اثر، گریفین به همراه نقوش گیاهی و پرنده با ترکیبی متقارن نقش شده‌اند و عالم فرازمینی و مینوی را القا می‌کنند. دو گریفین پشت به پشت هم قرار گرفته و با سرهای برگردان به یکدیگر می‌نگرند. بدن او شبیه به پلنگی خالدار است و بال او به صورت مجزا به نقوش تزیینی منتهی می‌شود.</p>	
<p>کاشی لعاب‌دیده مات، محفوظ در مجموعه هنرهای اسلامی موزه پراگامون</p> <p>کاشی مستطیل شکل با لعاب مات فیروزه‌ای که با گریفین بالدار، اسفنجس و گل و گیاه، به صورت برجسته کاری تزیین شده است. گریفین دو گوش تیز، گوشت‌آویز و منقار منحنی دارد و بال او شبیه به نقش اسلیمی، رو به بالا تصویر شده است. با توجه به کاربرد این شیء و همراهی گریفین با اسفنجس، می‌توان به نقش محافظتی آن اذعان کرد.</p>	
<p>کاشی با نقوش زیرلعابی، محفوظ در موزه هنر والترز</p> <p>گریفین در این کاشی همراه با یک اسفنجس، یک مرد جوان و نقوش گیاهی، با ظرافت بسیاری نقش شده است. اسفنجس و مرد جوان هاله‌ای به دور سر دارند که نشان از مقام والای آنان دارد و بر درونمایه مذهبی این نگاره می‌افزاید. گریفین و اسفنجس با شمایل مشابه، با بدن خال‌دار و بال‌های افراشته شده و دم رو به پایین به تصویر درآمده‌اند.</p>	

مشخصات	تصویر و ترسیم خطی
<p>پنل حکاکی شده از سنگ ماسه، موجود در حراجی کریستیز</p> <p>در این پنل گریفین همراه با اسفنکس، سگ، نقوش گیاهی و نیلوفر هشت‌پر تصویر شده است. چهره گریفین نیم‌رخ و بدن او سه‌رخ است و طوقی بر گردن دارد. بال‌ها و دم، با تزیینات گیاهی به هوا افراشته شده‌اند. با توجه به کاربرد این اثر و حضور سگ و اسفنکس، احتمالاً گریفین در اینجا جنبه محافظتی دارد.</p>	
<p>نقش برجسته محفوظ در موزه هنرهای ترکی و اسلامی استانبول</p> <p>در این نقش برجسته، گریفین در قالب مستطیل افقی با بدن شیر، چهره عقاب، منقار منحنی قلاب‌دار و طوقی بر گردن دیده می‌شود. دو بال او مشابه نقوش گیاهی، از نمای روبه‌رو تصویر شده است. روی بدن، خال‌های ستاره‌مانندی دارد و گیاهی را به منقار گرفته است.</p>	
<p>برگی از نسخه مصور رساله دقایق الحقایق، محفوظ در موزه متروپلیتن</p> <p>گریفین در اینجا بدون بال، با هاله‌ای به دور سر و رنگ طلایی نقش شده که نشان از جایگاه بالای این موجود اساطیری دارد. چهره نیم‌رخ، منقار قلاب‌دار، گوشت‌آویز قرمز رنگ و گوش منحنی بزرگی دارد که یادآور تاج است. دم او همچون نقوش گیاهی گره‌خورده و رو به سمت بالاست. با توجه به مضمون کتاب که درباره طالع‌بینی است و متن آمده در این برگه، نقش گریفین با مباحث دعا و طلسم مرتبط است.</p>	
<p>پارچه زربفت ابریشمی، محفوظ در موزه هنر کلیولند</p> <p>قطعه پارچه نفیس، نمایشی از ثروت دربار سلجوقی که با تار ابریشم، پود پنبه و جوهر طلا همراه با نقوش گریفین، روباه و عباراتی به خط کوفی مزین شده است. گریفین با چشمان بادامی، تاجی بر سر و گوشت‌آویز در قالب نقش شمشه به تصویر درآمده و بال و دم او نیز به صورت پیچان رو به بالا افراشته شده است.</p>	
<p>پارچه ابریشمی، موجود در حراجی ساتنیز</p> <p>در مرکز صفحه کروی شکل، دو گریفین به‌طور قرینه روبه‌روی هم ایستاده‌اند و از درخت زندگی که در میان آنها قرار گرفته، محافظت می‌کنند. در حاشیه مرزی عباراتی به خط کوفی دیده می‌شود. این انحصار نقش‌ها در قالب یک طرح هندسی، در منسوجات دوره ساسانیان نیز وجود داشته است. گریفین بدن یک شیر تنومند دارد و تزیینات ظریفی روی بال و گردن او نقش شده است.</p>	
<p>پارچه ابریشمی، محفوظ در موزه متروپلیتن</p> <p>این پارچه متعلق به لباس سوارکاری، مزین به نقوش پرنده، گریفین و گیاهان است که همگی آنها دارای معانی نمادین مثبت‌اند. دو گریفین بدون بال در نقش محافظ به‌طور متقارن روبه‌روی هم نشسته و از درخت زندگی مراقبت می‌کنند. با چهره و بدن سه‌رخ، تاجی بر سر، منقار منحنی، گوشت‌آویز و دم شش‌په به نقوش گیاهی رسم شده است. او یکی از بازوانش را بالا آورده که یادآور بسیاری از نقوش اساطیری پیش از اسلام است که در کنار درخت زندگی این‌گونه نقش شده‌اند.</p>	
<p>پارچه ابریشمی، محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون</p> <p>روی این پارچه ابریشمی، نقوش حیوانی چون گریفین، طاووس و روباه با ترکیبی متقارن در نقش محافظتی در کنار نقوش گیاهی و درخت زندگی یا طوبی تصویر شده‌اند. دو گریفین با بال گشوده و پره‌های ظریف روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند و سرهای خود را به‌عقب برگردانده‌اند.</p>	

جدول ۳. مقایسه ویژگی‌های ساختاری و نقش کاربردی ۲۱ نقش گریفین در دوران هخامنشی و ۲۱ نقش گریفین در دوران سلجوقی. مأخذ: نگارندگان.

تفاوت	هخامنشیان		سلجوقیان	
	اغلب بر آثار فلزی		اغلب بر آثار فلزی و کاشی‌ها	
تفاوت در سازه	چهره و بدن نیم‌رخ	منقار قلاب‌دار	چهره و بدن نیم‌رخ	منقار منحنی
	چشم گرد و برجسته	گوش اسب	گوش کشیده	گوش کشیده
	دم پبیچان رو به بالا	بال گشوده رو به بالا	دم پبیچان رو به بالا	بال اغلب گشوده رو به بالا
	یال کوتاه	شاخ‌ها از نمای روبه‌رو	بدون یال همراه با طوقی بر گردن	بدون شاخ
	در حال نزاع به‌صورت ایستاده	در حال حرکت روی چهار پا	همراه با گوشت‌آویز	در حال حرکت روی چهار پا
	دو پای جلو برای شیر و دو پای عقب برای عقاب	دو پای جلویی برای شیر و دو پای عقبی برای عقاب	بدن خال‌دار	بدن خال‌دار
	ترسیم طبیعت‌گرایانه	نمایش عضلات بدن شیر	ترسیم تزئینی با نقوش اسلیمی	عدم نمایش عضلات بدن شیر
	به‌طور متقارن روی نقش برجسته‌های تخت‌جمشید	جزئیات و ریتم رشدیابنده در نمایش پرها روی بال	به‌طور متقارن در دو سوی درخت زندگی روی پارچه‌های ابریشمی	ریتم رشد یابنده در نمایش پرها در بال
	درخت زندگی	گل نیلوفرآبی	درخت زندگی	گل نیلوفرآبی
	دایره بالدار	پرنده	درخت	پرنده
اسفنجس	قنطورس	اسفنجس	قنطورس	
گاو نر بالدار	بز کوهی	خرس	ازدها	
اسب	مگس اسب	روباه	سگ	
ظرف	بازوبند	طاووس	شمسه	
ارابه	خنجر	نقوش هندسی	نقوش اسلیمی	
انسان عالی‌رتبه	پادشاه	انسان والامقام	شخص سلطنتی	
سوارکار	خط نوشتاری (میخی)	سوارکار	خط نوشتاری (کوفی)	
نماد ثروت سلطنتی	نماد قدرت امپراتوری هخامنشی	نماد ثروت سلطنتی	نماد قدرت دربار سلجوقی	
ماهیت پادشاهی	نماد سنت هنری امپراتوری پارس	ماهیت پادشاهی	نماد سنن هنری گذشته	
نقش قدرت‌بخشی روی سلاح	محافظةت از نیلوفرآبی	محافظةت از شخص سلطنتی	محافظةت از درخت زندگی	
تجلی خیرخواهانه	وجه خردورزی	نماد خیر و برکت همراه با ادعیه و اسامی خداوند	نماد خیر و برکت همراه با ادعیه و اسامی خداوند	
رفع شر و جادو	نماد اهریمنی	باطل‌کننده سحر و جادو	باطل‌کننده سحر و جادو	
تقابل شهریار و گریفین، نماد تقابل خیر و شر	نماد خورشید روی زیورات زرین و طلایی	در ارتباط با علم نجوم، صور فلکی و طالع‌بینی	نماد خورشید در مرکز مدالیون و کاشی‌های ستاره‌ای	
محافظةت گنجینه پادشاهی	محافظةت گنجینه پادشاهی	محافظةت کاخ‌ها و عمارت‌ها	محافظةت کاخ‌ها و عمارت‌ها	

نتیجه از یک‌سو برخی از نمادهای این موجودات کهن را دارد و از سوی دیگر برخی از مفاهیم مختص به خود را داراست. شیر مظهر قدرت و جنگاوری که در فرهنگ اساطیر ملل، به خورشید مرتبط است و عقاب مظهر نیرو و پیروزی که در روزگاران کهن وابسته به آسمان است (هال، ۱۳۸۰، ۶۸-۶۲). از منظر شوالیه و گربران نیز گریفین مفاهیم مشترکی با شیر و عقاب دارد و این امر بر طبیعت خورشیدی او می‌افزاید. در واقع گریفین قدرت زمینی شیر را به نیروی آسمانی عقاب پیوند می‌دهد و از این‌رو با آسمان و زمین ارتباط دارد (شوالیه و گرابران، ۱۳۸۵، ۷۳۲). در میان ایرانیان، شیر نماد سنتی قدرت است. در ایران باستان نیز نماد جانوری ایزد مهر بوده و چهارمین مرتبه از مراتب کیش مهر و نخستین مرتبه از مراتب اعلی به‌شمار می‌رفت (هینلز، ۱۳۹۶، ۱۵۸-۱۳۵). عقاب نیز

چون پرنده، اسفنجس، قنطورس، گاو نر بالدار، بز کوهی، اسب، مگس اسب، نقوش اشیائی چون ظرف، بازوبند، ارابه، خنجر و نقوش انسانی چون انسان عالی‌رتبه، پادشاه، سوارکار و علاوه‌براین با خط نوشتاری میخی ترسیم شده است. در هنر سلجوقی گریفین همراه با نقوش اسلیمی و نقوش گیاهی چون درخت زندگی، گل نیلوفرآبی، درخت، نقوش حیوانی چون پرنده، اسفنجس، قنطورس، خرس، روباه، سگ، طاووس، نقوش انسانی چون انسان والامقام، شخص سلطنتی و سوارکار و همچنین خط نوشتاری کوفی ترسیم شده است. هرچند برخی از نقوش همراه با گریفین، در هر دو دوره مشابه است اما در مجموع نسبت به تعداد بیشتر، با یکدیگر تفاوت دارند.

• نمادشناسی

از آنجا که گریفین موجودی متشکل از چند حیوان است، در

بصری آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نقوش مورد بحث شامل بیست و یک گریفین در هنر هخامنشی و بیست و یک گریفین در هنر سلجوقی است که در جداولی مجزا قرار می‌گیرند. در این جداول، ستون‌هایی قرار داده شده تا علاوه بر نوع نقش، از منظر موضوع، ویژگی‌های بصری آنها چون محدوده نقش، خط غالب، راستای غالب، ریتم غالب و ترکیب‌بندی بررسی شود (جدول ۴ و ۵).

نتایج آمار بصری

پس از بررسی بصری نقش‌مایه گریفین در هنر هخامنشی و سلجوقی، در جدولی جداگانه تطبیق داده می‌شوند (جدول ۶).

• محدوده نقش

هر نقش یا تصویر محدوده‌ای فیزیکی دارد. این محدوده گاهی عینی و گاهی ذهنی است که هر یک می‌توانند هندسی یا اندام‌وار باشند (پهلوان، ۱۳۹۰، ۱۹). نقوش گریفین در این دو دوره تاریخی دارای محدوده اندام‌وار عینی‌اند. با این وجود می‌توان آنها را بر حسب محدوده هندسی عینی در قالب دایره، مربع، مستطیل افقی و عمودی بررسی کرد. نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه محدوده نقوش گریفین در هنر هخامنشی و هنر سلجوقی نشان می‌دهد که اغلب این نقوش در عهد هخامنشی، شامل هشت نقش‌مایه، دارای محدوده مستطیل افقی‌اند و پس از مستطیل افقی، مستطیل عمودی و دایره، هریک با شش نقش‌مایه بیشترین محدوده نقش را دارند. همچنین در دوره سلجوقی اغلب نقوش گریفین، شامل یازده نقش‌مایه، دارای محدوده مستطیل افقی هستند که نمایانگر شباهت محدوده نقش گریفین در این دو دوره است. بنابر ساختار بدنی نقش گریفین برتری این محدوده نقش، طبیعی است. از منظر نمادشناسی، مستطیل نماد ماده‌های زمینی، جسم و واقعیت (یونگ، ۱۳۸۹، ۳۷۹) و دارای وزن و استحکام است. محور افقی نیز نشان از سکوت و آرامش دارد. تمامی اینها نشان می‌دهد که تعداد کثیری از این نقوش، علاوه بر حسی زمینی، حسی همراه با آرامش و سکون را نیز به‌همراه دارند.

• نوع خط غالب






















خط به‌عنوان یک عنصر بصری، نقش مهمی را در تجسم‌بخشی اولیه هر اثر تجسمی ایفا می‌کند. خط ابزاری است برای نمایش صوری که هنوز در دنیای واقعیت وجود ندارد و فقط در خیال انسان است (داندیس، ۱۳۸۹، ۷۴). این عنصر می‌تواند برای بیان حالات مختلف، صورت‌های گوناگونی از جمله مستقیم، منحنی، مضرس و... به‌خود بگیرد. آمار حاصل از مطالعه چگونگی خط در ترسیم گریفین نشان می‌دهد که هنرمند هخامنشی و هنرمند سلجوقی تنها از خط منحنی برای ترسیم گریفین بهره برده‌اند. این آمار شباهت نقوش گریفین در زمینه نوع خط غالب در این دو دوره تاریخی را می‌رساند. برتری معنا‌دار خط منحنی در ترسیم این نقوش، احساس بصری ملایمی را

به‌عنوان قدرتمندترین و تیزپروازترین پرنده آسمان، در نزد ایرانیان دارای احترام و تقدس بوده است. چنان‌که از آن به‌عنوان نشان پرچم بهره می‌بردند. هخامنشیان عقاب شهپر، گشوده‌بال زرینی را بر سر نیزه در ابتدای لشکر سپاه حمل می‌کردند (ریاضی، ۱۳۷۵، ۱۴۱). گریفین در دوره هخامنشی با مفاهیم رمزگونه همراه است، بدین اصل که هنر هخامنشی تمایلی در به‌نمایش گذاشتن صحنه‌های واقعی ندارد و اغلب به‌صورت نماد و نشانه جلوه می‌کند. این موجود اساطیری در هنر هخامنشی، ماهیت پادشاهی دارد و نقش او روی پلاک‌های زرین و زینتی، نماد ثروت و شکوه امپراتوری هخامنشی است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نقل‌شده درباره گریفین طلا دوستی اوست و در آثار فلزی هخامنشی نیز اغلب روی طلا جلوه می‌کند. طلا نمادی از خورشید است و با توجه به اینکه در اساطیر ملل کهن گریفین وقف‌شده خدای خورشید است، این ارتباط، طبیعی به نظر می‌آید. تصویر گریفین روی سکه، نمایانگر نگهبانی او از گنجینه امپراتوری هخامنشی است؛ روی انگشتر و آینه، نقش محافظتی از شر و جادو دارد و روی غلاف شمشیر با داشتن وجه قدرت‌بخشی، از گل نیلوفرآبی محافظت می‌کند. در برخی آثار هخامنشی، گریفین همراه با شاخ پیچان به‌تصویر درآمده که نمایانگر خرد و احترام او در نزد ایرانیان است و همچنین روی نقش برجسته‌های تخت جمشید، قدرت و سلطه سیاسی هخامنشیان را به ملل دیگر نشان می‌دهد. اما این تجلی خیر خواهانه گریفین همیشگی نیست و گاهی نماد اهریمنی دارد؛ در یک نقش برجسته و چندین مهر، در نزاع با شهریار پارسی نشان داده شده که نمایانگر تقابل دوگانه خیر و شر است. گریفین در دوره سلجوقی نیز ماهیت پادشاهی دارد و روی منسوجات گرانبها و پارچه‌های زربفت نماد ثروت و قدرت دربار سلجوقی است. با نقش گرفتن روی پنل‌ها و کاشی‌ها از کاخ‌های شاهنشاهی نگهبانی می‌کند و در مرکز کاشی‌های ستاره‌ای همراه با نقوش اسلیمی، تداعی گر خورشید و عالم مینوی است. در بسیاری از منسوجات و سفالینه‌ها نیز در دو سوی درخت زندگی و همراه با شخص سلطنتی نقش محافظتی دارد. این مرغ افسانه‌ای با به‌تصویر در آمدن روی اشیاء همراه با متون مذهبی، ادعیه و ذکر و ثنای خداوند، نماد خیر و برکت بوده و گاهی ضامن سلامتی و باطل‌کننده سحر و جادو است. علاوه بر این حضور گریفین به‌همراه قنطورس و اژدها، ارتباط این نقش‌مایه با صور فلکی را تأیید می‌کند. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در بحث نمادشناسی، می‌توان اذعان کرد که با وجود برخی تفاوت‌ها، گریفین‌ها در هنر دو دوره، شباهت معنایی بسیاری با یکدیگر دارند.

مقایسه بصری نقش گریفین در دوره هخامنشی و دوره سلجوقی

پس از بررسی ویژگی‌های ساختاری و نقش کاربردی گریفین در دو دوره هخامنشی و سلجوقی، جهت مطالعه دقیق‌تر عناصر

جدول ۴. بررسی بصری نقش گریفین در دوران هخامنشی. مأخذ: نگارندگان.






















نقش و محل قرارگیری	موضوع و جنس	محدوده نقش	خط غالب	راستای غالب	ریتم غالب	ترکیب بندی
	پلاک از نقره	دایره	منحنی	ندارد	تکرار منظم	نامتقارن
	پلاک از طلا	دایره	منحنی	عمودی و مایل	تکرار منظم	نامتقارن
	پلاک از طلا	دایره	منحنی	ندارد	تکرار منظم	نامتقارن
	سکه از نقره	دایره	منحنی	عمودی و مایل	تکرار منظم	نامتقارن
	انگشتر از طلا	دایره	منحنی	ندارد	تکرار نامنظم	نامتقارن
	آینه از برنز	دایره	منحنی	ندارد	تکرار رشدیابنده	نامتقارن
	پلاک از طلا	مستطیل افقی	منحنی	ندارد	تکرار منظم	نامتقارن
	پلاک از طلا	مستطیل افقی	منحنی	ندارد	تکرار رشدیابنده	نامتقارن
	آویز از طلا	مستطیل افقی	منحنی	ندارد	تکرار منظم	نامتقارن
	حاشیه تزیینی از برنز	مستطیل افقی	منحنی	ندارد	تکرار رشدیابنده	نامتقارن
	نقش برجسته	مستطیل عمودی	منحنی	عمودی و مایل	تکرار رشدیابنده	نامتقارن در تقارن با نقش روی شی
	نقش برجسته	مستطیل افقی	منحنی	افقی	تکرار رشدیابنده	نامتقارن در تقارن با نقش روی شی
	نقش برجسته	مستطیل عمودی	منحنی	عمودی و مایل	تکرار رشدیابنده	نامتقارن
	نقش برجسته	مستطیل عمودی	منحنی	عمودی و مایل	تکرار رشدیابنده	نامتقارن در تقارن با نقش روی شی
	نقش برجسته	مربع	منحنی	ندارد	تکرار منظم	نامتقارن
	مهر مسطح از سنگ کالسدونی	مستطیل عمودی	منحنی	عمودی	تکرار رشدیابنده	نامتقارن
	مهر استوانه‌ای از سنگ عقیق	مستطیل افقی	منحنی	ندارد	تکرار رشدیابنده	نامتقارن
	مهر استوانه‌ای از کالسدونی	مستطیل عمودی	منحنی	عمودی	تکرار منظم	نامتقارن
	مهر استوانه‌ای از سنگ عقیق	مستطیل افقی	منحنی	مایل	تکرار منظم	نامتقارن
	مهر استوانه‌ای از سنگ عقیق	مستطیل عمودی	منحنی	عمودی و مایل	تکرار رشدیابنده	نامتقارن در تقارن با نقش روی شی
	قطعه‌ای از جلد زین اسب	مستطیل افقی	منحنی	مایل	تکرار رشدیابنده	نامتقارن

• نوع راستای غالب

در مبادی سواد بصری، تصاویر یا اشکال، دارای راستا یا جهتی هستند که می‌تواند از منظر بیان پیام بصری و بیان حالات

القا می‌کند. به‌ویژه در نقوش گریفین سلجوقی که در نمایش آنها از نقوش پریچ‌وتاب اسلیمی هم استفاده شده است

جدول ۵. بررسی بصری نقش گریفین در دوران سلجوقی. مأخذ: نگارندگان.

نقش و محل قرارگیری	موضوع و جنس	محدوده نقش	خط غالب	راستای غالب	ریتم غالب	ترکیب بندی
	پلاک از برنز	دایره	منحنی	ندارد	ندارد	نامتقارن
	انگشتر از نقره	دایره	منحنی	ندارد	ندارد	نامتقارن
	ظرف از برنز	مستطیل افقی	منحنی	ندارد	ندارد	نامتقارن
	بخوردان از برنز، طلا، نقره	مستطیل افقی	منحنی	افقی و مایل	ندارد	نامتقارن
	آینه از فولاد	مستطیل افقی	منحنی	افقی و مایل	ندارد	نامتقارن
	کاسه سرامیکی	مستطیل افقی	منحنی	افقی و مایل	ندارد	نامتقارن
	کاسه سرامیکی	مستطیل افقی	منحنی	ندارد	تکرار نامنظم	نامتقارن
	کاسه سرامیکی	دایره	منحنی	ندارد	تکرار منظم	نامتقارن
	گلدان سفالی	مستطیل افقی	منحنی	ندارد	ندارد	نامتقارن
	کاشی ده پر گچبری شده	دایره	منحنی	ندارد	تکرار رشدیابنده	نامتقارن
	کاشی هشت پر جلا داده شده	مربع	منحنی	ندارد	تکرار نامنظم	نامتقارن
	کاشی هشت پر جلا داده شده	مستطیل عمودی	منحنی	مایل	تکرار نامنظم	نامتقارن
	کاشی سرامیکی	مستطیل افقی	منحنی	ندارد	ندارد	نامتقارن
	کاشی سرامیکی	مستطیل افقی	منحنی	ندارد	تکرار نامنظم	نامتقارن
	پنل از سنگ ماسه	مربع	منحنی	عمودی	تکرار رشدیابنده	نامتقارن
	نقش برجسته	مستطیل افقی	منحنی	افقی	تکرار نامنظم	نامتقارن
	برگه مصور	مستطیل افقی	منحنی	ندارد	ندارد	نامتقارن
	پارچه ابریشمی	مربع	منحنی	ندارد	ندارد	نامتقارن
	پارچه ابریشمی	مستطیل عمودی	منحنی	عمودی	تکرار رشدیابنده	نامتقارن
	پارچه ابریشمی	مستطیل عمودی	منحنی	ندارد	ندارد	نامتقارن
	پارچه ابریشمی	مستطیل افقی	منحنی	ندارد	تکرار رشدیابنده	نامتقارن

• نوع ریتم غالب

ریتم در یک اثر براساس تکرار واحدهای همانند یا بسیار مشابه به همراه فواصل تأکید شده یا غیرتأکید شده به وجود می‌آید. در واقع ریتم رابطی میان عوامل ترکیب بندی است

حائز اهمیت باشد. مطالعات صورت گرفته روی نقوش گریفین در دو دوره هخامنشی و سلجوقی نشان می‌دهد که اغلب نقوش راستای غالب ندارند که نشان از شباهت آنها دارد.

جدول ۶. مقایسه تطبیقی ویژگیهای بصری ۲۱ نقش گریفین در دوره هخامنشی و ۲۱ نقش گریفین در دوره سلجوقی. مأخذ: نگارندگان.

سلجوقیان		هخامنشیان		انواع	عناصر بصری
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۵۳٪	۱۱	۳۸٪	۸	مستطیل افقی	محدوده نقش
۱۴/۵٪	۳	۲۸/۵٪	۶	مستطیل عمودی	
۱۴/۵٪	۳	۵٪	۱	مربع	
۱۹٪	۴	۲۸/۵٪	۶	دایره	
۱۰۰٪	۲۱	۱۰۰٪	۲۱	منحنی	خط غالب
۵٪	۱	۵٪	۱	افقی	راستای غالب
۹/۵٪	۲	۹/۵٪	۲	عمودی	
۵٪	۱	۹/۵٪	۲	مایل	
۱۴/۵٪	۳	۰	۰	افقی و مایل	
۰	۰	۲۸/۵٪	۶	عمودی و مایل	
۶۶٪	۱۴	۴۷/۵٪	۱۰	راستای غالب ندارد	
۵٪	۱	۴۳٪	۹	تکرار منظم	
۲۴٪	۵	۵٪	۱	تکرار نامنظم	
۱۹٪	۴	۵۲٪	۱۱	تکرار رشد یابنده	
۵۳٪	۱۱	۰	۰	ریتم خاصی ندارد	
۱۰۰٪	۲۱	۱۰۰٪	۲۱	نا متقارن	ترکیب بندی
۲۴	۵	۱۹٪	۴	متقارن با نقش روی شی	
۷۶٪	۱۶	۸۱٪	۱۷	عدم تقارن با نقش روی شی	

رسید (داندیس، ۱۳۸۹، ۱۵۸). آمار به دست آمده از چگونگی ترکیب بندی نشان می دهد که تمامی نقوش گریفین در این دو دوره تاریخی نامتقارن اند که نمایانگر شباهت آنها در نوع ترکیب بندی نقش است. علاوه بر این گریفین روی چهار شیء هخامنشی و پنج شیء سلجوقی، با نقش مایه مشابه خود متقارن است.

نتیجه گیری

گریفین از انواع جانوران ترکیبی است که در تاریخ اساطیر جهان با معانی گوناگونی نمود پیدا کرده و ایرانیان نیز در طی دوران پیش از اسلام و دوران اسلامی از آن بهره برده اند. نقش مایه آن در هنر هخامنشی اغلب روی آثار فلزی به ویژه زیورآلات زرین و پس از آن روی مهرها و نقوش برجسته مشاهده می شود؛ در هنر سلجوقی نیز اغلب روی آثار فلزی و کاشی های کاخها و عمارت ها جلوه می کند. مطالعات صورت گرفته روی ویژگی های ساختاری، خصوصیات بصری و نقش کاربردی گریفین نمایانگر شباهت ها و تفاوت های میان این نقش مایه در این دو دوره تاریخی است. از لحاظ

که بر اساس تکرار پایه ریزی شده است (جنسون، ۱۳۹۰، ۱۱۰). در اثر بصری این تکرار می تواند به همراه فواصل منظم و یکسان و همچنین به همراه فواصل نامنظم و غیریکسان باشد، البته گاهی این عناصر تکرار شونده به صورت پیش رونده یا رشد یابنده شکل می گیرد. آمار به دست آمده از مطالعه نوع ریتم در نقوش گریفین حاکی از این است که در عهد هخامنشی ریتم غالب در ترسیم گریفین، ریتم رشد یابنده شامل یازده نقش مایه و پس از آن ریتم غالب در نه نقش مایه، تکرار منظم است، ولی اغلب نقوش گریفین در دوره سلجوقی ریتم خاصی ندارند که این نشان از تفاوت نقوش گریفین این دو دوره در زمینه ریتم غالب دارد. حضور ریتم در هنر هخامنشی به دلیل ترسیم طبیعت گرایانه ای بوده که هنرمند هخامنشی در نمایش جزئیات پر و بال از آن بهره برده است.

• نوع ترکیب بندی

علاوه بر کاربردهایی که برای هر یک از عناصر بصری شمرده شد، در انتها تمامی این عناصر بایستی در خدمت ترکیب بندی یا کمپوزیسیون به کار روند. در ترکیب بندی یک اثر بصری می توان از دو راه قرینه سازی و طرح های نامتقارن به تعادل

مشخصات ساختاری، حالات بدنی نقش‌مایه گریفین در کلیات مشابه یکدیگرند ولی در جزئیات با یکدیگر تفاوت دارند. این جزئیات بیشتر تحت‌تأثیر ویژگی‌های هنری هر دوره تاریخی است، به‌طورمثال هنرمند هخامنشی اغلب گریفین را به‌سبک طبیعت‌گرایانه پارسی ترسیم کرده و هنرمند سلجوقی از ترسیم تزیینی بر پایه شمایل نقوش اسلیمی بهره برده است. در اغلب آثار هر دوره نیز، نقوش همراه گریفین با دیگری تفاوت دارد و از لحاظ ویژگی‌های بصری، به استثنای نوع ریتم غالب که متفاوت از یکدیگرند، در چگونگی محدوده نقش، نوع خط غالب، راستای غالب و ترکیب‌بندی با یکدیگر شباهت دارند. از منظر معنا و نمادشناسی، گریفین در هر دو دوره هخامنشی و سلجوقی ماهیت پادشاهی دارد، با مفاهیم ثروت و قدرت همراه است و به‌عنوان نگهبان گنجینه و دارایی پادشاه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در راستای مفاهیم آیینی و اعتقادی نیز، از درخت زندگی به‌عنوان گیاهی مقدس، حفاظت می‌کند و به‌عنوان موجودی والا، نماد خیر بوده و شر و جادو را با قدرت خود باطل می‌کند. هر چند با وجود این شباهت‌ها، گریفین در برخی آثار هخامنشی در تقابل با پادشاه پارسی، وجه اهریمنی می‌گیرد و از این حیث با گریفین دوره سلجوقی که ماهیت مثبت دارد، تفاوت می‌یابد. در مجموع می‌توان گفت که میزان شباهت‌های نقش‌مایه گریفین در دو دوره تاریخی، چه از حیث ساختار و چه معنا بیش از تفاوت‌های آنهاست که نشان از تأثیرپذیری گریفین در هنر سلجوقی از نقش‌مایه مشابه در هنر هخامنشی دارد. در این بین باوجودی که احتمال تزیینی بودن گریفین در برخی آثار می‌رود، اما در کاربرد این نقش‌مایه، تأثیر عواملی چون سیاست، ثروت و قدرت پادشاهی، باورهای مذهبی و اعتقادات عامیانه، به‌وضوح قابل مشاهده است. در انتها می‌توان اذعان کرد که این نقش‌مایه اساطیری در طی زمان، از دوران پیش از اسلام تا دوران اسلامی بنابر نیازها، اعتقادات و باورها دچار تحولاتی شده و جوامع برمبنای پاسخ به این نیازها، آنها را نقش کرده‌اند.

تقدیر و تشکر

با تشکر ویژه از خانم فاطمه نصیری برای ترجمه انگلیسی مقاله و همچنین سپاس از خانم‌ها ثریا شمشادی، شیما چرخکار و مرضیه اسدی برای ترسیم خطی نقوش.

پی‌نوشت

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «الپه فیضی مقدم» با عنوان «مطالعه تطبیقی تأثیرات اساطیر ترکیبی پیکرگردانی ایران بر ادبیات دوران باستانی و اسلامی» است که به راهنمایی دکتر «محمد عارف» و مشاوره دکتر «محمد رضا شریف‌زاده» در دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی

- تهران در حال انجام است.
۱. Griffin
 ۲. Gryphon
 ۳. در پارسی میانه: دال
 ۴. Baškuč
 ۵. Sin
 ۶. Horus
 ۷. Nemesis
 ۸. Apollo
 ۹. Minoan
 ۱۰. Altai
 ۱۱. Taksay
 ۱۲. مطالعه فرشتگان

فهرست منابع

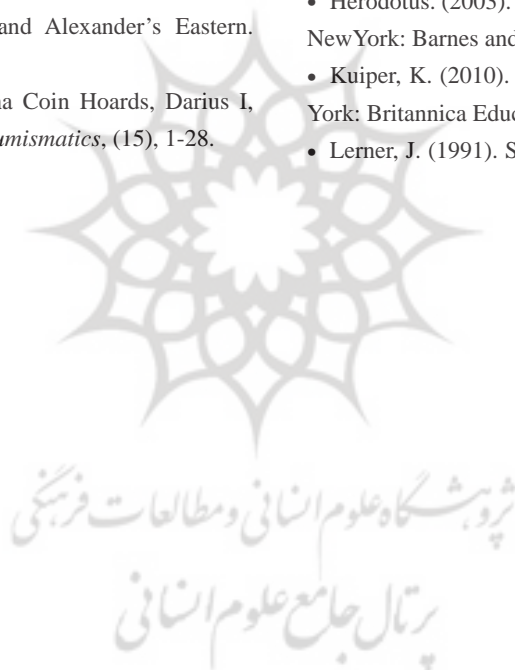
- الوند، احمد. (۱۳۵۱). *صنعت نساجی ایران از دیرباز تا امروز*. تهران: دانشگاه پلی‌تکنیک.
- بروس میتفورد، میراندا. (۱۳۹۴). *دایره المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها* (ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیرپور). تهران: سایان.
- پرادا، ایدت. (۱۳۹۷). *هنر ایران باستان، تمدن‌های پیش از اسلام* (ترجمه یوسف مجیدزاده). تهران: دانشگاه تهران.
- پهلوان، فهیمه. (۱۳۹۰). *ارتباطات تصویری از چشم‌انداز نشانه‌شناسی*. تهران: دانشگاه هنر.
- جنسون، چارلز. (۱۳۹۰). *تجزیه و تحلیل آثار هنرهای تجسمی* (ترجمه بتی آواکیان). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- داندیس، دونیس. (۱۳۸۹). *مبادی سواد بصری* (ترجمه مسعود سپهر). تهران: سروش.
- دوست‌شناس، نسترن و صالحی کاخکی، احمد. (۱۳۹۱). نقش جانوران ترکیبی در سفالینه‌های سلجوقی. *نقش‌مایه*، ۵ (۱۰)، ۶۷-۴۲.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- ریاضی، محمدرضا. (۱۳۷۵). *فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران*. تهران: دانشگاه الزهرا.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن. (۱۳۸۵). *فرهنگ نمادها* (ترجمه سودابه فضالی). ج. ۵. تهران: جیحون.
- طاهری، صدرالدین. (۱۳۹۱). *گوپت و شیردال در خاور باستان*. *هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، ۱۷ (۴)، ۱۳-۲۲.
- فضالی، سودابه. (۱۳۸۴). *فرهنگ غریب*. ج. ۲. تهران: افکار.
- کرتیس، جان و تالیس، نایجل. (۱۳۹۲). *امپراتوری فراموش شده: فرهنگ، هنر و تمدن هخامنشیان* (ترجمه خشایار بهاری). تهران: فرزانه روز.
- هال، جیمز. (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب* (ترجمه رقیه بهزادی). تهران: فرهنگ معاصر.
- هینتس، ویلیام. (۱۳۹۶). *دنیای گمشده عیلام* (ترجمه فیروز فیروزنیا). تهران: علمی و فرهنگی.
- هینلز، جان. (۱۳۹۶). *شناخت اساطیر ایران* (ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی). تهران: چشمه.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۹). *انسان و سمبل‌هایش* (ترجمه

Pazyryk. *Notes in the History of Art*, 10(4), 8–15.

- Lukpanova, Y. (2018). A woman who speaking with Gods. The World of Art Images of Nomads. *The Exhibition Catalogue*, 28-33.
- MacKenzie, D. N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*. London: Oxford University Press.
- Novozhenov, V. A. (2018). Whence the Cimmerians Came Transcontinental Communications of the Early Nomads in the Lights of the Origin of the Cimmerians. *Historical Archaeology & Anthropological Sciences*, 3(1), 10-23.
- Öney, G. (1984). Reflection of Ghaznavid Palace Decoration on Anatolian Seljuk Palace Decoration. *Sanat Tarihi Dergisi*, 3(3), 133-141.
- Pliny the Elder. (1855). *Natural History of Pliny* (J. Bostock & H. T. Riley, Trans.). V. 2. London: Henry G. Bohn.
- Reed, N. B. (1976). Griffins in Post-Minoan Cretan Art. *Hesperia*, (45), 364–379.
- Sudzuki, O. (1975). Silk Road and Alexander's Eastern Campaign. (11), 67-92.
- Zournatzi, A. (2003). The Apadana Coin Hoards, Darius I, and the West. *American Journal of Numismatics*, (15), 1-28.

محمود سلطانیه). تهران: جامی.

- Al-Nasiri, N. (1272). *Daqaq Al-haqayeq* (Degrees of Truths). Paris: Bibliothèque Nationale de France.
- Boardman, J. (2015). Alexander the Great's Flying Machine: An Iconographic Study. *Awe*, (14), 313-322.
- Bulfinch, T. (2000). *Bulfinch's Greek and Roman Mythology: The Age of Fable*. New York: Dover Publications.
- Buyaner, D. (2005). On the etymology of Middle Persian *baškuč* (winged monster). *Studia Iranica*, 34(1), 19–30.
- DePuy, W. H. (1892). *The Encyclopædia Britannica, A Dictionary of Arts, Sciences, and General Literature*. Chicago: R.S. Peale Company.
- Harper, P., Oliver Jr, A., Scott, N. & Lilyquist, C. (1971). Origin and Influence Cultural Contacts: Egypt, the Ancient near East, and the Classical World. *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, 29(7), 318-326.
- Herodotus. (2003). *Histories* (G. Campbell Macaulay, Trans.). New York: Barnes and Noble Books.
- Kuiper, K. (2010). *Islamic Art, Literature, and Culture*. New York: Britannica Educational Publishing.
- Lerner, J. (1991). Some So-Called Achaemenid Objects from



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله: فیضی مقدم، الهه؛ عارف، محمد و شریفزاده، محمدرضا. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی نقش گریفین در هنر هخامنشیان و هنر سلجوقیان. *باغ نظر*، ۱۹(۱۱۶)، ۲۳-۴۰.

DOI:10.22034/BAGH.2022.341414.5183
URL: http://www.bagh-sj.com/article_160875.html

